

بسمه تعالی

## تبیین فلسفی ساختار سازی حکومتها مبتنی بر جغرافیای سیاسی (با تأکید بر ایران)

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۹۰

برای ارائه به:

همایش ملی جغرافیای سیاسی کاربردی، مهر ماه ۱۳۹۱

تهران - انجمن ژئوپلیتیک ایران / دانشگاه تربیت مدرس

### ۱- چکیده

کشور (State) به عنوان موضوع اصلی در جغرافیای سیاسی حداقل از سه مولفه اساسی تشکیل شده است که عبارتند از: سرزمین، ملت، نظام سیاسی یا حکومت. سرزمین در حکم زیستگاه مشترک ملت و قلمرو جغرافیایی برای فرمانروایی حکومت است. ملت مجموعه انسانهای همبسته و مقیم در قلمرو سرزمین و برخوردار از حق آب و گل و تابعیت است که از سوئی مالک و صاحب اختیار سرزمین و از سوئی دیگر منشا تشکیل حکومت و تعیین کننده چگونگی آن برای حاکمیت بر سرزمین است. حکومت یا نظام سیاسی انعکاس فرآیند سازمان یابی سیاسی ملت در قلمرو جغرافیایی کشور است که فلسفه آن ملت، هم از حیث منشا تشکیل و تاسیس و هم از حیث ماموریت در اداره امور کشور و ملت و نیز حفظ موجودیت آن و نیز تامین نیازهای مادی و معنوی ملت می باشد. بنابراین ملت و سرزمین به عنوان واقعیهایی پایدار از موقعیت زیربنایی، و حکومت از موقعیت روبنایی برخوردارند.

حکومتها ناگزیر از تعریف ساختار مناسب سازمانی در راستای ایفای نقش ذاتی و انجام ماموریتهای مزبور می باشند. سازمان یابی حکومتها ممکن است بر پایه فرآیند تحلیل فلسفی و منطقی و یا بر پایه الگوبرداری از یکدیگر بویژه از حکومتهای پیشرو، و یا متأثر از متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز غیر آن انجام پذیرد. آنچه مهم است این است که ساختار سازمانی حکومتها باید با ایفای نقش و ماموریت ذاتی آنها متناسب باشد در غیر اینصورت از انجام آن ناتوان بوده و با شکست روبرو خواهند شد. هر چند ساختار سازمانی مناسب به تنهایی کفایت از موفقیت یک حکومت نمی کند زیرا لازمه آن تناسب و همسویی مولفه مدیریت سیاسی یا سیستم عامل حکومت با آن از حیث اندیشه و عمل می باشد.

این مقاله سعی دارد با روش تحلیل فلسفی، بنیانهای جغرافیایی ساختار سازمانی حکومتها را مبتنی بر مولفه های اصلی کشور یعنی سرزمین، ملت و نظام سیاسی بیان کند تا از این طریق امکان دستیابی به الگوی علمی، عقلایی و منطقی ساختار حکومتها برای اداره بهینه کشورها فراهم آید. در این رابطه بنیانهای ساختاری مبتنی بر مولفه سرزمین بر اساس ضرورتهای مدیریتی، و بنیانهای ساختاری مبتنی بر مولفه ملت بر اساس ضرورتهای تامینی، و بنیانهای ساختاری مبتنی بر مولفه نظام سیاسی بر اساس ضرورتهای سازمان یابی درونی حکومتها تبیین می شوند.

**واژگان کلیدی:** جغرافیای سیاسی، حکومت، کشور، ساختار سازمانی، سرزمین، ملت.

## ۲- مقدمه:

کشور به عنوان موضوع جغرافیای سیاسی در هر مقیاسی، سه مؤلفه‌ی اساسی به شرح زیر دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۷):

- **سرزمین**، یا قلمرو جغرافیایی زیستگاه ملت، ونیز قلمرو فرمانروایی حکومت که ممکن است الحاق و انتزاع در آن صورت بگیرد. اما پایدار و ابدی است، هر چند ممکن است همراه با انسان‌های ساکن و وابسته آن دارای انقباض و انبساط فضایی باشد.
- **ملت**، یا انسان‌ها، که زیستگاهشان قلمرو جغرافیایی کشور است «Homeland-Motherland» و حق تابعیت و حقوق شهروندی دارند و با حفظ رابطه نسلی بین پیشینیان و آیندگان، موجودی ابدی و پایدار می باشد. ملت خط تاریخی دارد یعنی گذشته، حال و آینده آن بهم مرتبط می باشد.
- **حکومت**، یا ساختار سیاسی که رو بناست و زیربنای آن سرزمین و ملت است. حکومت از لحاظ انتزاعی پایدار و ابدی است ولی بلحاظ واقعی ابدی نیست و متغیر و نا ثابت است؛ چون حکومت‌ها و رژیم‌ها تغییر می کنند و هیچ حکومت و رژیم خاصی، ابدی نبوده است. شاخص رژیم‌ها، قانون اساسی آنها است. حکومت یعنی کل ساختار سیاسی، اما دولت یعنی قوه مجریه.
- تمام تعهدات یک کشور نسبت به کشورهای دیگر به دو عنصر ملت و سرزمین که پایدار هستند، متکی می باشد. سرزمین و ملت هر کشور، تکیه گاه‌های اصلی حقوق و روابط بین المللی آن هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۱۷).
- کشور سیاسی معادل **State** و کشور سرزمینی معادل **Country** می باشد. واژه **State** معادل چند معنی بکار می رود (کشور، ایالت، حکومت، دولت، حالت و...)
- فلسفه حکومت در کشورها، ضرورت حفظ کشور، مدیریت امور قلمرو جغرافیایی، مدیریت امور ملت وابسته به آن و نیز تعامل با سایر کشورها است.
- از نظر جغرافیای سیاسی، حکومت محصول فرآیند سازمان یابی سیاسی ملت در زیستگاه یا فضای جغرافیایی خودش می باشد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ). در این رابطه هر ملتی حق و اختیارات مربوط به منابع و امور سرزمینی و سرنوشت خودش را به این حکومتی که تأسیس می نماید، تفویض می کند تا به نیابت از آن امور عمومی اش را اداره کند. بنابراین سرزمین و ملت از این جهت دارای موقعیت زیربنایی بوده و حکومت موجودی رو بناست. چون بنا به ضرورت مدیریت امور عمومی سرزمین و ملت و خواست آن تأسیس و تشکیل شده است.

## ۳-وظایف حکومتها:

- بر پایه فلسفه جغرافیایی حکومتها، اولین وظیفه‌ای که حکومت پیدا می کند حفظ کشور ( سرزمین و ملت ) در برابر تهدیدات است، دومین وظیفه مدیریت امور فضای سرزمینی و مردم یا ملت است، سومین وظیفه اش تأمین نیازهای ملت یا مردم آن است (مادی و معنوی )، و چهارمین وظیفه اش برقراری تعامل مناسب، سازنده و صلح آمیز با سایر کشورها و ملتها است .
- بر اساس مبانی فلسفی و جغرافیایی که وجود حکومت را توجیه می کند، حکومت باید به خودش سامان بدهد. لذا به تأسیس یک ساختار سازمانی و اداری که بتواند مأموریتها و وظایف ذاتی را ایفا کند می پردازد.

#### ۴- الگوی حکومت در ایران:

- بنا بر بررسی‌های انجام شده در ایران، بین ساختار سازمانی حکومت و ایفای نقش ذاتی آن تناسب لازم وجود ندارد، و این مشکل مقداری هم جهانی است به این علت که در ساختارسازی حکومت‌ها، کشورها از یکدیگر الگوبرداری می‌کنند. بدون آنکه در ابتدا یک تبیین فلسفی/جغرافیایی برای تدوین قانون اساسی و ساختار سازی حکومت در سرزمین و ملت خود انجام دهند.
- ساختارسازی حکومت در ایران تبیین فلسفی نشده است به همین علت، صرف نظر از اندام‌های اصلی که سه قوه هستند، لایه بعد از آن نظیر وزارتخانه‌ها بعضاً حتی در عنوان‌گذاری و تعیین نام نیز، مبنای اندیشیده شده فلسفی ندارند.
- سیستم حکومتی ایران بسیط است یعنی سراسر سرزمین را یکدست و خصایص ملت را یکسان می‌بیند و مقررات یکسان برایش مقرر می‌کند، بعلاوه این سیستم بسیط متمرکز نیز است. (بسیط یعنی تک‌ساخت و یکسان انگار) که منجر می‌شود به تأسیس یک نهاد ملی (قانونگذاری ملی است، خزانه ملی است، نرم‌افزار اداره امور ملی است، قانون محاسبات عمومی ملی است). مهمتر از آن سیستمی شدت متمرکز است که نقش منفی در مدیریت بهینه امور کشور و نیز فرایند توسعه ملی بازی می‌کند.
- سنت سیاسی در ایران بساطت و تمرکز اداری نبوده است، بلکه غیربسیط بوده است و از زمان مشروطه به سیستم بسیط تبدیل شده است که سیستمی وارداتی است و با اکولوژی ایران نمی‌خواند. این الگوسازی‌ها تابعی است از مدل‌های مرکز پیرامون (یعنی متأثر از متروپل). متروپل ایران، فرانسه و بلژیک بوده است و متروپل شبه قاره هند، انگلیس بوده است.
- در انقلاب مشروطه، ایران تحت تأثیر آن قرارگرفت و مدل بسیط متمرکز بر آن سایه انداخت و تابوهای ژئوپلیتیکی هم آن را تقویت کرد. از آن زمان تاکنون مدل مزبور در ایران ادامه دارد.
- قانون اساسی هر کشوری انعکاس خصیصه‌های ملت و سرزمین آن است و حکومت در اصل حافظ آن خصیصه‌ها می‌باشد. بین خصیصه‌ها و رفتار حکومت با ایده آله‌ها و آرمان‌های ملت باید سازگاری وجود داشته باشد و آلا شکاف و چالش و مبارزه بین آن دو پیش می‌آید و همیشه آنکه دیر یا زود از پا در می‌آید حکومت‌ها هستند.

#### ۵- مبانی فلسفی ساختار سازمانی حکومتها:

- اکنون سوال این است که: حکومتها که می‌خواهند به خودشان سامان بدهند تا مأموریت‌هایشان را بخوبی انجام دهند، چه نوع ساختار و سازمانی برایشان مناسب است؟
- در فرآیند ساماندهی حکومت‌ها به خود سه ضرورت مطرح است:
  ۱. ضرورت‌های مدیریتی فضای سرزمینی و ملت و تعامل با دیگران
  ۲. ضرورت‌های تأمین نیازهای ملت
  ۳. ضرورت‌های سازمان‌یابی درونی خودش (تأمین نیاز خودش تا آن دو دیگر را اداره کند).
- در ورای هر کدام از اینها یک مقوله و ضرورت اساسی مشترک بین سرزمین و ملت پیش می‌آید که از دید جغرافیایی سیاسی به آن «حفظ کشور» می‌گوییم.
- در بحث حفظ کشور چند موضوع مطرح است:
  ۱. تقویت علل وجودی و بقای کشور (علل موجهه و موبقه کشور) که خودشان دو نیروی حفظ کننده کشور هستند. این دو باید شناسایی و مورد توجه اساسی ملت و حکومت باشند. محور اصلی آن هویت ملی است که ماهیت این مقوله عمدتاً فرهنگی است.

۲. نیروی سیاست در دو بُعد داخلی و خارجی (که کارش اتخاذ تدابیر مناسب برای توسعه اتحاد ملی و روابط

صلح آمیز با سایر کشورها و نیز تقویت علل موجهه و موبقه است).

۳. نیروی امنیت در دو بُعد امنیت داخلی و امنیت خارجی یا ملی

- حفظ موجودیت کشور دغدغه اصلی هر حکومت است چون بدون آن وجود حکومت معنا ندارد.

از منظر فلسفی و نظری، برای ضرورت‌های سه گانه مزبور، حکومت باید برای خودش ساختار و سازمان مناسب بر پایه عناصر اصلی کشور به شرح زیر تعریف کند.

### ۱- ۵- بخش سرزمین:

- ضرورت‌هایی که برای مدیریت آن وجود دارد عبارتند از:

الف ( فضای ملی یا عرصه جغرافیایی کشور

• در این عرصه این موضوعات باید مورد توجه قرار گیرد (۴ بُعد فضا):

۱. مالکیت فضا (حق تملک)

۲. مدیریت سیستم‌های اکولوژیک (اکولوژی یعنی بوم‌شناسی «زیست بوم» و روابط داده و ستاده بین عناصر

موجود در یک سیستم فضایی، و حفظ تعادل‌های آن)

۳. مدیریت کاربری فضا: (آمایش سرزمین؛ تخصیص فضا به فعالیت)

۴. بحران‌های سرزمینی (حوادث غیرمترقبه محیطی طبیعی یا انسانی)

ب ( منابع سرزمینی:

این منابع شامل موارد زیر باید شناخته و مدیریت شوند.

- منابع کانی و منابع انرژی

- منابع یا بنیادهای زیستی شامل: آب‌ها، خاک‌ها، هوا، حیات (گیاهی و جانوری) در قلمرو کشور

ج ( سیستم‌های سرزمینی:

۱- سکونت‌گاه‌ها: (شهری، روستایی و عشایری)

- مسکن یکی از جلوه‌های سکونت‌گاه‌هاست.

۲- شبکه‌ها: مانند شبکه راه و ترابری، شبکه‌های انرژی (برق و گاز)، شبکه ارتباطات، شبکه آب

۳- ساخت‌ها: مانند ساخت‌های کشاورزی (کشاورزی یک ساخت فضایی است که در سرزمین وجود دارد)، ساخت‌های

صنعتی، ساخت‌های دفاعی و امنیتی (پادگان‌ها و...)

✓ ۲- ۵- بخش ملت:

- در اینجا نیازهای ملت و تأمین آنها مطرح است.
- نیازهای فضایی، (مسکن، فعالیت و...)
- نیازهای سیاسی، ( مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت، گزینش مدیران سیاسی در مقیاس‌های ملی و محلی، تابعیت، هویت (اسناد هویتی)، حقوق شهروندی و غیره )
- نیاز به امنیت، (امنیت اجتماعی و عمومی، نظم و انضباط اجتماعی، امنیت جان و مال و ناموس شهروندان)
- نیاز به ارتباط بین‌المللی، (روابط بین‌المللی و سیاست خارجی به اقتضای تعاملات اجتماعی، اقتصادی، تجاری و علمی و...)
- نیازهای اقتصادی، ( کسب و کار، شغل، درآمد، پول و بانک، مبادله و بازرگانی )
- نیازهای فرهنگی، ( میراث فرهنگی و حفظ تاریخ ملت، شاخصه‌های فرهنگی (آیین‌ها و مذهب)، هویت ملی و فرهنگی، که گاهی علت وجودی کشورهاست)
- نیاز به سلامت، (بهداشت و درمان، ورزش و تربیت بدنی، سلامت روانی)
- نیاز به تفریح و اوقات فراغت، ( فلسفه وجودی پارک، سینما، موسیقی ... برای بهبود روح خسته انسان شهری، توریسم و گردشگری )
- نیازهای معنوی و مذهبی، ( عقاید و باورها، مناسک و آیین‌های مذهبی، مدارس دینی، زیارتگاه‌ها، خیریه‌ها)
- نیازهای اجتماعی، ( رفاه و تأمین اجتماعی، عزت و کرامت، احساس سربلندی و افتخار، آزادی‌ها، ارتباطات اجتماعی، عدالت و برابری، محبت، شخصیت و حرمت اجتماعی)
- نیاز جنسی و وراثتی، ( آمیزش، زاد و ولد و خانواده)
- نیازهای غذایی، (خوراک و آشامیدنی‌ها)
- نیاز به انرژی، ( حیات، حرکت، فعالیت و کار )
- نیازهای زندگی، ( ابزار زیست، ابزار حرکت (ماشین)، پوشاک، ابزار کار، وسایل خانه، ابزار ارتباط و...)
- نیازهای آموزشی، (ارتقاء علمی، فکری، تربیتی و مهارتی، اجتماعی سازی )
- نیازهای علمی و تکنولوژیک، ( توسعه علمی و تکنولوژیک که رکن اساسی توسعه و قدرت ملی را تشکیل می‌دهد)
- نیاز به دادرسی، (مراکز قضایی و دادگاهها)

### ۳-۵- بخش حکومت:

- در اینجا سازماندهی سیستم عامل حکومت مد نظر است که شامل ابعاد زیر است:
- نرم‌افزارهای حکومتی: فرایند تدوین قوانین و مقررات (مجالس قانونگزاری و نهادهای شورایی، ...)
  - مدیریت امور ساختار سازمانی و نیروی انسانی حکومت: (مانند امور تشکیلاتی و استخدامی و...)
  - مدیریت توسعه ملی: چشم‌اندازها، استراتژی ملی و برنامه‌ها (این نهاد در حکم مغز حکومت است). شامل:
    - آمار و اطلاعات ملی
    - تدوین چشم‌انداز و استراتژی ملی
    - تدوین برنامه‌های توسعه

- مدیریت مالی حکومت: اخذ مالیات‌ها، بودجه، درآمد و هزینه حکومت

- نظارت حکومتی: نظارت مالی، نظارت قانونی، نظارت کارکردی؛ نظارت مراقبتی (حسن سلوک کارکنان دولت و...) این نهاد نظارت حکومتی می‌تواند زیر نظر پارلمان بعنوان نماینده ملت و یا سران سه قوه باشد.

## ۶-الگوی پیشنهادی ساختار سازمانی حکومت و دولت برای ایران:

در هر کشوری نهادی وجود دارد که از آن به رئیس کشور یا شخص اول (The Head of State) تعبیر می‌شود و طبیعتاً مسولیت کلی حفظ کشور و امنیت و منافع ملی آن، نظارت بر مدیریت بهینه و نحوه اداره امور داخلی و خارجی کشور، هدایت مسیر کلی توسعه کشور برای رسیدن به اهداف ملی، ایجاد هماهنگی بین ارکان اصلی حکومت (قوای مقننه، مجریه، قضائیه) در راستای انجام وظایف ذاتی و قانونی آنها، ارتباط کشور با سایر کشورها، و نیز فرماندهی نیروهای مسلح دفاعی کشور را بعهده دارد.

مطابق قانون اساسی ج.ا. ایران، رئیس کشور و حکومت یا شخص اول، ولی فقیه و یا رهبر است که از اختیارات زیر برخوردار می‌باشد:

- ۱- فرماندهی نیروهای مسلح، برای تامین دفاع و امنیت ملی کشور
- ۲- نصب رئیس قوه قضائیه، برای تامین نیاز به دادرسی و امنیت اجتماعی شهروندان
- ۳- نصب رئیس صدا و سیما برای کنترل افکار عمومی و توسعه مشروعیت و مقبولیت حکومت
- ۴- مدیریت و کنترل سیاسی کشور از طریق مدیریت و نظارت بر شورای نگهبان، صدا و سیما، شبکه ائمه جمعه، شبکه نمایندگان رهبری در استانها، مرجعیت دینی و قوای سه گانه
- ۵- مدیریت و کنترل سیاست خارجی برای تامین بعد نرم افزاری امنیت ملی و ارتباط کشور با سایر کشورها
- ۶- ترسیم چشم انداز توسعه و استراتژی ملی کشور

### **در سطح بعدی، رده دوم ارکان حکومت یعنی قوای مقننه و مجریه قرار دارند.**

**قوه مقننه**، به عنوان امین و وکیل ملت یا شهروندان در قالب مجلس شورای اسلامی + شوراهای محلی و منطقه‌ای تجلی یافته است که برای تدوین قوانین و مقررات کشورداری یا نرم‌افزارهای حکومتی + نظارت مالی بر نهادهای حکومتی (دیوان محاسبات) عمل می‌نماید.

**قوه مجریه (دولت)**، در قالب ساختار ریاست جمهوری + وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی + شوراهای عالی، برای مدیریت و اداره امور کشور، تامین نیازهای ملت، و حرکت در مسیر توسعه کشور عمل می‌نماید.

این قوه تنه اصلی و بخش محوری حکومت و مدیریت سیاسی و اجرایی کشور را تشکیل می‌دهد. از اینرو الگوی پیشنهادی ساختار سازمانی عمدتاً در بر گیرنده این رکن از ارکان حکومت و در تعامل با شخص اول کشور و سایر ارکان حکومت است.

### توضیح:

پیش شرط اصلی در ساختار سازی حکومت و دولت در ایران، تمرکز زدائی از سیستم سیاسی- اداری ایران، توزیع فضائی/جغرافیائی قدرت سیاسی، توسعه اقتدار و مسؤلیت دولتهای محلی، و توسعه اقتدار لایه‌های پایین‌تر ساختار حکومتی و دولتی ایران در سطوح استانی و شهرستانی می‌باشد. این امر به کوچک سازی جثه حکومت و دولت مرکزی (در تهران)، تقویت

بعد ستادی دولت مرکزی، افزایش ظرفیت مسئولیت پذیری اندامهای دولت مرکزی (وزارتخانه‌ها) و افزایش توان تخصصی، مشاوره‌ای، نظارتی، و کنترلی حوزه ستادی وزارتخانه‌ها و سازمانهای مرکزی ملی منجر می‌شود.

### **ساختار پیشنهادی:**

ساختار مزبور در دو بخش دولت و شوراها عالی به شرح زیر می‌باشد:

### **بخش اول - دولت:**

ساختار پیشنهادی دولت در قالب وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل ملی وابسته به آن و زیر نظر رئیس جمهور شامل دو قسمت به شرح زیر است:

### **الف: سازمانهای مرکزی و ملی**

رئیس آنها به عنوان معاون رئیس جمهور انجام وظیفه می‌نماید.

۱- سازمان امور اداری حکومت: برای ساختار و تشکیلات حکومتی، نیروی انسانی دولتی، سیستمها و فرآیندهای اداری حکومتی مثل الکترونیکی کردن حکومت.

۲- سازمان امور توسعه ملی: برای آمار و اطلاعات ملی، تدوین چشم اندازها و استراتژی ملی، تدوین برنامه‌های توسعه ملی.

۳- سازمان امور مالی حکومت: برای اخذ مالیاتها و تأمین درآمدها، مقررات مالی دولتی و محاسبات، بودجه ریزی و هزینه‌های حکومت.

۴- سازمان نظارت ملی: برای نظارت مالی و حسابرسی، نظارت قانونی، نظارت کارکردی، نظارت مراقبتی (حراستها)، در قلمرو کل حکومت. این سازمان مشترکا زیر نظر قوای سه گانه عمل میکند و رئیس آن با نظر و رای سران سه قوه منصوب میشود.

### **ب: وزارتخانه های دولتی**

۱- وزارت دفاع (برای نیاز به امنیت ملی)، رابط بین دولت و رهبری، متولی نیروهای مسلح، سازمانهای پشتیبانی و خدماتی دفاعی، مرزبانی کشور، اطلاعات برون مرزی، استراتژی دفاعی، حفظ موجودیت کشور و بطور کلی تامین امنیت ملی.

۲- وزارت امنیت داخلی (برای نیاز به امنیت فردی و اجتماعی)، برای تهیه اطلاعات امنیتی (وزارت اطلاعات کنونی)، حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی، پلیس و نیروی انتظامی، امنیت و حقوق شهروندی، امنیت اجتماعی و عمومی، ضابط قضائی

۳- وزارت خارجه (برای نیاز به ارتباط بین المللی)، برای ارتباطات بین المللی، امور سازمانهای بین المللی، دیپلماسی، کمک به تامین امنیت ملی (نرم افزاری).

۴- وزارت داخله/ یا کشور (برای نیازهای سیاسی شهروندان)، برای مشارکت سیاسی شهروندان، انتخابات سیاسی، تابعیت شهروندان (پاسپورت)، هویت ملی (شناسنامه و کارت ملی)، ثبت احوال و وقایع جمعیتی کشور، حقوق شهروندان، تضمین

آزادی سیاسی و اندیشه، مدیریت سیاسی فضای ملی (استانداری، فرمانداری، بخشداری)، تقسیمات سیاسی فضا (کشوری و شهری)، وفاق و همبستگی ملی، تنظیم رابطه حکومت و ملت، دماسنجی سیاسی افکار عمومی، امور اقوام، احزاب و گروههای

سیاسی، و غیره.

- ۵- وزارت فضای جغرافیایی ( برای نیازهای فضایی مردم)، برای کنترل مالکیت فضای جغرافیایی کشور (ثبت اسناد)، مدیریت سیستمهای اکولوژیک (امنیت زیستمحیطی)، کاربری فضای جغرافیایی (آمایش سرزمین)، مدیریت مخاطرات و بحرانهای سرزمینی (حوادث غیر مترقبه).
- ۶- وزارت منابع طبیعی ( برای نیازهای زیستی)، برای مدیریت امور معادن، آبها، خاکها، حیات گیاهی و جانوری ( بنیادهای زیستی).
- ۷- وزارت انرژی ( برای نیاز به انرژی)، برای مدیریت نفت و گاز، برق و الکتریسیته، انرژی اتمی، انرژی خورشیدی، هیدرو الکتریک وسایر انرژیها.
- ۸- وزارت سکونتگاهها ( برای نیاز به زیستگاه و مسکن)، برای اداره امور شهرها، روستاها و مناطق عشایری ( شامل برنامه ریزی، معماری، مدیریت شهری و روستایی، حمل و نقل و غیره).
- ۹- وزارت راه و ترابری / یا حمل و نقل ( برای نیاز به حرکت)، برای اداره امور حمل و نقل زمینی (راه آهن- جاده)، دریایی، هوایی، فضائی، و پستی
- ۱۰- وزارت ارتباطات ( برای نیاز ارتباطی)، برای اداره امور زیر ساختها و شبکه های الکترونیکی، تلفن، رادیو و تلویزیون، ماهواره ها، اینترنت و غیره.
- ۱۱- وزارت رسانهها ( برای نیاز به اطلاع رسانی)، برای اداره امور رادیو، تلویزیون، فیلم و سینما، مطبوعات، فضای مجازی .
- ۱۲- وزارت کشاورزی ( برای نیاز به غذا)، برای اداره امور ساختهای زراعی، باغی، دامی، و تأمین منابع غذایی کشور.
- ۱۳- وزارت صنایع ( برای نیاز به مصنوعات)، برای اداره امور ساختهای صنعتی در فضای جغرافیایی کشور، و تامین نیازهای زندگی شامل خوراک، پوشاک، ابزار کار و فعالیت، وسایل زندگی و خانگی، ابزار و ماشینهای صنعتی و کارگاهی، استانداردهای سازی های تولیدی، و غیره.
- ۱۴- وزارت اقتصاد و تجارت ( برای نیاز اقتصادی)، برای مدیریت کسب و کار، اشتغال، پول و بانک، مبادله و بازرگانی، درآمد و هزینه خانوارها و بنگاهها و غیره.
- ۱۵- وزارت فرهنگ ( برای نیاز فرهنگی)، برای اداره امور میراث فرهنگی و تاریخی کشور، مبانی هویت ملی، آئین ها، شاخصه های فرهنگی و ملی، زبان ملی و محلی، موسیقی، هنر، ادبیات ملی، سرود ملی و سایر نمادهای ملی.
- ۱۶- وزارت سلامت ( برای نیاز به سلامت)، برای اداره امور بهداشت، درمان، دارو، تربیت بدنی و ورزش، سلامت روانی و غیره.
- ۱۷- وزارت خانواده ( برای نیاز جنسی و وراثتی)، برای اداره امور ازدواج، زاد و ولد، حقوق خانواده، ارث، امور ویژه زنان، مردان، جوانان و کودکان، امور جمعیتی و غیره.
- ۱۸- وزارت امور دینی ( برای نیاز دینی)، برای اداره امور باورهای دینی و مذهبی، مناسک و آئین های مذهبی، مدارس دینی، زیارتگاهها و خیریه ها، اقلیتهای دینی، و غیره. ( ادغام سازمان اوقاف، سازمان حج و زیارت، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات، و غیره )
- ۱۹- وزارت تفریح ( برای نیاز به آسایش و آرامش روحی و شادی)، برای اداره امور گردشگری و توریسم، مسابقات ورزشی، جشنواره ها، سرگرمی ها، مراکز و فضاها تفریحی و غیره.
- ۲۰- وزارت آموزش ( برای نیاز به تعلیم و تربیت نیروی انسانی)، برای اداره امور آموزش پیش دبستانی، دبستانی، متوسطه، دانشگاهی (پیش دکتوری)، و بطور کلی آموزش رفتارها و مهارتها و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشور ( ادغام وزارتخانه های آموزش و پرورش، آموزش عالی، آموزش پزشکی و بخش آموزشهای عالی رسمی سایر وزارتخانه ها).



۲۱- وزارت علم و تکنولوژی (برای نیاز به تولید علمی و تکنولوژیک)، برای اداره امور مراکز تحقیقات علمی، آکادمی های علمی، دوره های دکتری و پست دکتری، مراکز و سازمانهای تولید تکنولوژی، اختراعات و ابداعات، نشریات علمی، کتاب های علمی، انجمنهای علمی و غیره. ( ادغام وزارت علوم، معاون علمی رئیس جمهور، جهاد دانشگاهی، مراکز و سازمانهای تکنولوژیک، مراکز نشر علمی و غیره).

۲۲- وزارت امور اجتماعی (برای نیاز به رفاه، و خدمات اجتماعی)، برای امور تأمین اجتماعی و بیمه ها، رفاه اجتماعی، مشاوره های اجتماعی، تصدی و تولى امور کیفی اجتماعی نظیر: اخلاقیات عمومی، کرامت و عزت اجتماعی، ارتباطات و همبستگی اجتماعی، تکامل اجتماعی، و غیره) از طریق فرهنگ سازی، مشارکت و تاثیر گذاری بر سیاستها، برنامه ها و اقدامات سایر بخشها).

۲۳- وزارت دادگستری (برای تضمین عدالت اجتماعی)، برای تامین حقوق فردی و عمومی و مراقبت بر اجرای قوانین.

### بخش دوم - شوراهای عالی هماهنگی، تصمیم سازی و سیاستگذاری

اینها نهادهای هماهنگی رفتاری در دولت و رابط اجزای ساختاری حکومت با قوه مقننه ( بعنوان عالی ترین نهاد حکومتی قانونگذار و سیاست گذار) می باشند.

۱. شورای عالی امنیت ملی (دفاع و امنیت)

۲. شورای عالی امور سیاسی (داخله و خارجه)

۳. شورای عالی فضای جغرافیایی (مالکیت، آمایش، تعادل های اکولوژیک، امنیت فضائی)

۴. شورای عالی سکونتگاهها

۵. شورای عالی اقتصاد

۶. شورای عالی امورات اجتماعی

۷. شورای عالی فرهنگ

۸. شورای عالی آموزش، علم و تکنولوژی

۹. شورای عالی امور دینی

۱۰. شورای عالی امور زیربنائی (سیستم های سرزمینی)

۱۱. شورای عالی انرژی

۱۲. شورای عالی منابع طبیعی

۱۳. شورای عالی توسعه ملی

#### توضیح:

۱- در تمامی شوراها، یکی از وزرا یا رئیس سازمان مرتبط بعنوان دبیر و مسئول دبیرخانه شورا، و رئیس جمهور یا معاون وی ، رئیس آن خواهد بود .

۲- در تمامی شوراهای عالی نمایندگان ذیصلاح و مرتبط شش نهاد زیر عضویت خواهند داشت:

- رهبری، مجلس شورای اسلامی، سازمان امور توسعه ملی، قوه قضائیه، وزارت داخله، وزارت خارجه

### فهرست منابع

۱- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.

- ۲- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۳- میرحیدر، دره. (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت